

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

درویش وردک

۲۶ جولای ۲۰۱۵

مجلس چهل نهم (دربخشش)

قسمت دوم

شیخ عبدالقادر (رضی الله تعالی عنه) فرمودند: از صالحین نام بردن و خود را به لباس آنان در آوردن، و بازگو کردن سخنان ایشان برای تو سودمند نیست، در حالیکه با اعمال و افعالشان همسو نیستی. توتیرگی بدون صفائی، خلق بی خدائی، دنیای بی آخرتی، باطن خالی از هرگونه حقیقتی، و ظاهر بدون باطنی. گفتارت را عمل تأیید نمی کند، و عملت را اخلاص در پی نیست. بدان که چیزی از تو پذیرفته نمی شود، تا زمانی که کاملاً تابع کتاب و سنت نباشی.

دعوی بدون گواه از تو پذیرفته نمی گردد. هرگاه با حیل و نیرنگ خود رانزد خلق موجه نشان دهی، بدان که نمی توانی با خداوند غدر کنی، او آگاه بدلهاست، متاع اعمال زشتت را خریدار نیست، چرا که صیرفی ماهر و دانائی است. خدای عزوجل ظاهر بین نیست، بلکه به باطن توجه دارد، که آیا در خلوت و تنهایی چکار میکنی؟ آیا از اینکه در انظار مردم خود را می آرائی، ولی اندرون نجس است، شرمند نیستی؟ اگر طالب رستگاری می باشی، هر چه زودتر از گناهانت توبه کن، و در توبه اخلاص نشان ده. جز برای رضای خداوند عملی انجام مده. من ترا سراپا خطا می بینم، زیرا همراه نفس و هوی، و تابع شهوات و دنیائی. اندک عطائی موجب فرح تست و لقمه ای سبب خشم می شود، همیشه در فکر تامین رضایت نفسی، خشمت بخاطر خود است، اختیارت در دست نفس است. تو باندگان حقیقی خداوند چه ارتباطی داری؟ آنان را عبودیت صادقانه است، و در مقابل خداتسلیم اند، رنج و بلا بر آنان نازل می شود، ولی ایشان مانند کوه استوار و پایدارند، و با صبر و شکیبائی آنرا پذیرا هستند. ظاهر خود را آماده رویارویی با بلا کرده اند، و با قلب بسوی خدا پرواز می کنند. آنان چادرهائی هستند خالی از سکنه، قفسهائی بی پرده، یعنی کالبد آنان بظاهر وجود دارد، اما دلهایشان بسوی حق پرواز کرده است.

ای درویشگان از خدا بسوی من بیانید، تا رابطه شما را با خدایتان اصلاح نمایم، و از او بخواهم شمار امنیت خاطر عنایت فرماید، با تضرع و زاری از او بخواهم تا بر شما ببخشد، و از حقوق خویش که بر ذمه شماست بگذرد.

بار خدایا ما را بسوی خود برگردان، و بر درگاه خود مقیم نما. ما را خاص خود گردان و بخدمت خود رضای فرما. دریافت و عطای ما را مقرون به رضای خود ساز، اسرارمان را از آلودگیها پاک کن، ما را از ارتکاب آنچه که نهی نموده ای بازدار، و بر ترک آنچه امر فرموده ای مگمار، ظاهرمان را از توبه بمعاصی دوردار، و باطنمان را از شرک بزدا، ما را در مقام قرب از خود بیخود گردان و تمام وجودمان را مخصوص خود نما، ما را به ذات اقدس خویش توانگر کن، از خواب غفلت بیدارمان نما، به طاعت و بندگی خود موفق نما، به حلاوت قرب قلوبمان را مثل لذت گردان، بین ما و عاصیان جدائی انداز، همچنانکه بین زمین و آسمان جدائی افکنده ای، به مقام قربمان رسان، آنگونه که سیاهی و سفیدی را از زلیخا دور داشتی که مرتکب گناه نشود.

شیخ (رضی الله عنه) باز فرمود: بانماز و روزه و صبر، جسم و نفس خود را نوب نمایند. هرگاه بنده هوای نفس و شهوات را از بین برد، باقلب و سر، باوسعت بدون تنگی، و باسلامت بدون بیماری، در پیشگاه مولا باقی خواهد ماند. عاقل باشید، علم بیاموزید، و بااخلاص بدان عمل کنید.

(یاغلام) علم را اول از خلق بیاموز، سپس از خالق، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرموده است: «مَنْ عَمِلَ بِمَا يَعْلَمُ أَوْرَثَهُ اللَّهُ عِلْمَ مَا لَمْ يَعْلَمْ»- (هرکسی به علمی که آموخته است عمل کند، خداوند به آنچه نمی دانست آگاهی می کند). ابتداء آموختن از خلق حکم است، آنگاه از خالق علم لدنی بیاموز، علمی که مخصوص قلب و باطن است، چگونه می توانی بدون استاد به علم دست یابی؟ تودردار حکمی، طالب علم باش. زیرا علم آموزی فریضه است، نبی اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرموده است: «اطلبوا العلم ولو بالصین»- (علم آموزید، اگرچه در چین باشد).

(یاغلام) باکسی همنشینی کن که ترا درجهاد بانفس یاری کند، نه باکسیکه نفس را علیه تو یاری کند. هرگاه باشیخی جاهل و منافق اسیر هوای نفس، مصاحبت کردی، بدان که او یار و کمک نفست می باشد. زیرا شیخ واقعی دنیا توجهی ندارد، بلکه همیشه دربند و اندیشه آخرت است. هرگاه شیخ دارای هووا و آرزو بود، با دنیا سروکار دارد، و اگر صاحب قلب بود، با آخرت پیوستگی دارد، و اگر از سر و باطن برخوردار بود، دوستدار مولا است.

ای کسیکه گردشبوخ می گردی! آگاه باش، تادربند دنیا هستی، کودکی، نفس در معرض دنیائیت قرار می دهد. از روی اراده و اختیار آنرا تردکن، نه از روی ناچاری، آنچنانکه بمرحله مطمئنه برسد، و بقلب بدل شود، و این دوراست و بعید، مگر باکوشش و تلاش. هرگاه نفس از دیدن دنیا محروم شد، و جز مولا محبوب دیگری نداشت، موجب رسیدن بنده به قرب حق می گردد، در این حال خوف و خطر شدت می یابد، زیرا همچنانکه وزیر پادشاه بجهت نزدیکی بیشتر از دیگران، از پادشاه خوفناک است، هر اندازه هم مقام قرب بنده بیشتر شود، خوفش زیادتر می گردد.

بنابراین قوم (اولیاء الله) باخطر عظیمی مواجهند، و این خوف همچنان ادامه دارد، اگر چه به لقای خداوند هم نائل شوند. هرکس خدارا بهتر شناخت، خوفش بیشتر است، رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرموده است: «أَنَا أَعْرِفُكُمْ بِاللَّهِ وَأَشَدُّكُمْ لَهُ خَوْفًا»- (من از همه شما بهتر خدارا می شناسم، و از همه بیشتر بیمناکم).

خداوند متعال دوستان خود را می آزماید، تا آنان را از کدورتها صاف گرداند، و ایشان نیز همواره در مقام خوفند، و از تغیر و تبدیل احوال هراسناکند، بالاینکه در حال امنیت هم هستند. بی تابند، در حالیکه در آرامشند، بانفس خویش در برابر کوچکترین غفلتی در مناقشه وجدالند. هرچقدر ساکن باشند، باز در حال پروازند. هر میزان که توانگر باشند، بیشتر خود را نیازمند میدانند. هرچه بیشتر امنیت حاصل کنند، زیادتر می ترسند. هر اندازه موجبات خنده و شادی آنان را بیشتر فراهم کنند، بیشتر گریه می کنند. در نهایت فرح محزونند. تمام اینها از بیم سوء عاقبت است که میدانند رب عزوجل «لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ».

اما تو غافل، و بابراز معصیت در پیشگاه حق حاضر میشوی، خداوند را مخالفت می کنی و آرامش و اطمینان خاطر هم داری!! بدان که بزودی این آرامش به خوف، و وسعت و فراخ دستیت به تنگدستی سلامتت به بیماری، عزتت به خواری، بلندی مقامت به خفت، توانگریت به درویشی، بدل خواهد شد. بدان که امنیت تودر روز قیامت از عذاب خدا، بمقدار خوفت در دنیا بستگی دارد، اما تودر دریای لذایذ دنیا غوطه وری، و در چاه غفلت ساکن، زندگیت بناچار مانند چهار پایان است، که در خور و خواب و تولید مثل خلاصه گردیده است. احوالتت نزد ارباب قلوب آشکار است، حرص بر مال دنیا و جمع آن و طلب روزی تو را از راه حق باز داشته است.

ای کسیکه حرص و آزدنیای ترا به فضیحت کشانده است، آگاه باش اگر بهمراهی تو اهل جهان جمع گردند تا چیزی که بهره و نصیب تونیست، بتو رسانند، قادر نخواهند بود، پس این حرص بیهوده را در طلب روزی مقسوم، و کوشش در راه کسب روزی غیر مقسوم را از سر بدرکن، شخص عاقل عمرش را چگونه در راهی که فایده ای از آن عاید نمی شود،

صرف می کند؟! اعتناء و اتکاء بخلق را از دل بران، اقبال و ادبار، نفع و ضرر، عطا و منع، مدح و ذم، اکرام و اهانت را از مردم بدان، و ایمان داشته باش که تمامی نفع و ضررها از جانب خداست، خیر و شر در دست قدرت اوست، اما آنرا توسط مردم بمنصه ظهور میرساند، و تو آن را نادیده انگار و بدان که همه از جانب خداست، و دیگران جز وسیله و سبب چیزی دیگر نیستند.

آنانکه خدارا فرمانبردارند، عاقلان و دانشمندانند، و کسانی که خدارا فرمانی کنند، دیوانگان و کم خردانند، که باید آنان را به دیده تحقیر نگریم، و برآزادیتشان نیز صابر بود، جاهل خدارا فرمان و پیرو شیطان است، زیرا اگر عاصی جاهل نباشد عسیان نمی کند. اگر نفس خویش را میشناخت، و میدانست که به اعمال سوئش و ادار می کند، قطعاً از آن پیروی نمی کرد. چه بسیار ترا از شیطان و یارانش باز داشتیم، اما تو نپذیرفتی، آگاه باش که اعوان و یاران شیطان همان نفس اماره است و حب دنیا و دوستان ناباب از همه اینها برحذر باش، زیرا همگی دشمن تو اند. دوست تو جز خدا کسی دیگر نیست، خداوند خیرت را می خواهد، و دیگران ترا بجهت منفعت خویش طالبند.

هرگاه توانستی در خلوت و تنهایی از قید اسارت نفس رها شوی، آن زمان به انس و قرب حق رسیده ای. هرگاه نفس و دنیا را ترک گفتی، و قلب و آخرت را وجه همت قرار دادی، و باطنت به مولا گروید، آنوقت مقام انس را یافته ای، اما با وجود این عوامل معارض مپندار که در خلوتی، چون خلوت واقعی آنست که جز خدا همه چیز را از دل برانی، زیرا خدارا وقتی خواهی یافت که از غیر خدا بریده باشی. وقتی به صفا دست می یابی، که صفا و اهل آن را ببینی. زمانی به صدق نایل میشوی که صادق و صدق را دیده باشی. وقتی از قیود ماده خلاص خواهی شد، که درگاه حق و اهل آنرا شناخته باشی، هنگامیکه این حالات در تو متحقق شد، آنگاه مردان حق را نیز خواهی شناخت. هر وقت به درگاه ملک رسیدی، مسلماً چاکران و خدمتگزاران آن درگاه را نیز می بینی که در آنجا ایستاده اند، باید ابتدا با درگاه آشنا شد، سپس به دیدار غلامان و چاکران رسید. هرگاه بدین آستان راه یافتی، و به معرفت خدار رسیدی، صدق را می بینی، و هرگاه به دیدار صدق موفق شدی، همو خود از خواب غفلت بیدار می کند، ولی آگاه باش که کذب ترا از درگاه میراند و بخواب جهالت گرفتار می سازد.

با صادقین همدم شو، تا باتو نیز چنان معامله شود که با آنان شده است. در اعمال و اقوال صدق و راستی را رعایت کن، و در همه حال صابر باش. بدان که صدق کامل یعنی توحید و توکل بخدا، و حقیقت توکل یعنی، قطع امید از اسباب و ارباب، و عدم اتکاء بر توان و نیروی خود در برابر خدا، قلباً و باطناً. اگر قصد اتصال بمقام قرب را داری، بخداوند بگرو و از غیر او اعراض کن، از مخلوق دوری کن و به خالق ببیند. تا زمانی که با خود و دیگرانی در انتظار رستگاری مباش. قرب حق متضمن تحمل رنج و تعب است. البته از میان هزاران نفر، یک تن از گفتار من کاملاً آگاه میشود، و آنرا درک کرده و بدان عمل می کند، و مابقی در حال بیخیرینند. من خواهان خیر دنیا و آخرت شمایم. بدانید که دنیا زندان مومن است، که هرگاه مشقات این زندان را فراموش کرد آرامش خواهد یافت. مومنین در زندان زندگی و عارفان در مقام شکرند و از این زندان بی خبر، خدایشان آنرا از شراب قرب مینوشاند، شراب شوق، شراب انس، شراب طلب، شراب اعراض از خلق، و شراب بیداری را از دست لطف حق می نوشند، از خلق بی خبرشان می سازد، و بیاد حق بیدارشان می کند و از زندان دنیا و زندانبانش غافل می سازد. در دنیا بابیشت و دوزخ برخوردار می کنند، منازعه شان دوزخ، و رضا بقضا جنت، و غفلتشان دوزخ و بیداریشان جنت است.

قیامت برای عوام محاسبه، و برای خواص معاتبه است، چرا چنین نباشد؟ مگر نه اینست که آنان در دنیا در دل خویش قیامت بپاکرده اند؟ آری پیش از آنکه بگریه افتند، خود گریسته اند، و طبعاً فایده گریه خود را در قیامت خواهند برد.

سفیان ثوری (رحمة الله علیه) رادر خواب دیدند، از وی پرسیدند که خدایاتو چه کرد؟ جواب داد، مرادپیشگاهش حاضر کردند، و خطاب بمن فرمود: ای سفیان مگر ندانسته ای که من غفور و رحیمم؟ آیا شرمنده نیستی که همواره از خوف گریه میکنی؟!

هوای نفس و شیطان اندرونت را از خود دور کن، وبه آنها نزدیک مشو، دوستان ناباب رادشمن بدار و صادقشان مدان تازمانیکه باتو همراه و همراهِ شونگ شوند.

توبه روح توان معنوی است، هرکس توبه نمود، اما در خود تغییر و تحول ایجاد نکرد، و با گذشته فرقی نداشت، یقیناً در ادعایش کاذب است. خداوند متعال فرموده است: **«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»**. درد دنیا کسی را مورد ستم قرار ندهد، زیرا در آخرت به وبال آن گرفتار خواهی شد. دادگری کن تا از طریق جنت عدول نکنی. کسانیکه دادگری را ترک نمایند، به ظلمت گرفتار می آیند. پس با همگان به طریق عدل رفتار نما، هر چیزی را در جای خود قرار بده تا در پیشگاه حق جای مناسب بیابی.

این آخر زمان است، شمارامی بینم که همه چیز را دگرگون کرده اید. از اینکه دچار دگرگونی های منفی و ناخوشایند شوید، بر شما بینم. اگر چیزی اقتضای تغییر و تبدیل داشت، باید بمقتضای شرع و از طریق حلال انجام شود. ای خلق الله بدانید که من خواهان صلاح و نفع شمایم، آرزو می کنم که درهای دوزخ برویتان بسته شود و احدی به آن داخل نگردد، درهای جنت برویتا گشوده شود، و از ورود هیچ کس بدان ممانعت بعمل نیاید، بدانید که این تمنای من از روی علم و آگاهی است که از رحم و شفقت خداوند بر بندگان دارم. نشست من بجهت تهنیت قلوب شماست، نه بمنظور آراستن کلام، از گفتار خشن من مگریزید، مر اینگونه پرورده اند که در راه خدا از کلام خشن نمی توانم خود داری کنم. سخنانم خشن است، خوراکم خشن است، و هرکس از من و امثال من برگردد رستگار نمی شود. هرگاه سوء ادبی را در ارتباط با دین از تو مشاهده نمایم، ترک نمی کنم، منتهی رفتارت را تأیید نمی نمایم، و توجهی هم ندارم که نزد من حاضر شوی یا نه. هیچ چاره ای راجز از خدا نمی طلبم. آنچه را که من در آنم- و بر آنم- بازبان- تملق، یا تحکم- و با- انحراف- به چپ و راست دگرگون نمی شود.

از انبیاء و مرسلین و گذشتگان صالح پیروی کنید، و همواره بدنبال آنان باشید تا بمقام قرب برسید. از گناهان و اعمال زشت توبه کنید، نهال توبه را در زمین قلب بکارید، بنای شیطان را در دل ویران نمائید، و کاخ رحمان را بجای آن بنا کنید، تا بمولا ملحق شوید.

من به مغز توجه می کنم، پوست را در نظر ندارم. در پرورش پوست که همان ظاهر مسائل است تلاشی نمی کنم، سعی من در پرورش مغز و معنویت است. قشر هایتان را دور میریزم و مغزها را می پرورانم تا دیدگان رسول اکرم (صلی الله علیه و سلم) بدیدارتان روش گردد.

(یا غلامان) بامن بخاطر دنیا همنشینی مکنید، بلکه آخرت را منظور دارید. هرگاه قصد آخرت تحقق پیدا کرد، دنیا نیز به تبعیت آن بسویتان می آید. دنیا تابع آخرت است، باندازه ضرورت وبه حکم شرع از آن استفاده کنید، در اینصورت من تعهد می کنم که محاسبه ای در پی نخواهید داشت. آخرت را بردنیا مقدم دارید، باطن بر ظاهر، حق را بر باطل و باقی را بر فانی مقدم بشمارید. ترک کنید، سپس بگیریید، یعنی عطای خلق را ترک کنید و عطای خالق را بگیریید، عطای نفس و شهوات را ترک کنید، و عطای سر و باطن را دریافت دارید، رسول اکرم (صلی الله علیه و سلم) را پیروی کنید و عطایش را بگیریید. خدای عزوجل فرموده است: **«مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»**.

در اجرای اوامر خدا و رسول بی باک و جسور باش، و در قبال منهیات بسان بیماری ناتوان، وبه هنگام نزول مقدرات بمانند مرده باش، و باین حال بامردم نیز با حسن اخلاق رفتار کن. از خدا چیزی را مطلب که اراده او بر آن تعلق نگرفته باشد، و با خواستهایش موافق و سازگار باش، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) فرموده است: **«لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْقَلَمَ،**

قَالَ لَهُ أَكْتُبْ، قَالَ مَا الَّذِي أَكْتُبُ؟ قَالَ أَكْتُبُ حُكْمِي فِي خَلْقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»- (زمانی که خدای عزوجل قلم را آفرید، دستورداد که بنویس، گفت چه بنویسم؟ گفت حکم و امر مرا درباره آفریدگانم تا روز قیامت).

ای دل مردگان زنده نفس، دلهایتان مرده است، سزاوار است بجزای آن بنشینید، تا جزای دیگران . بدانید که مرگ قلب همانا غفلت از خداست. هرکس می خواهد دلش زنده شود، باید همواره به یاد حق باشد، و بادیده باطن بقدرت و عظمت او بنگرد.

(یا غلام) اول بادل سپس بازبان خدای رایاد کن. باقلب هزار بار ذکر حق را بجای آورویک بار بازبان. در هنگام نزول آفات و بلاها بیشتر بیاد حق باش. در وقت روی آوردن دنیابنو، آنرا ترک کن، و به آخرت روی آور و آنرا بپذیر. و در مقابل عنایت حق موحد باش و مخلص، و در برابر غیر خدای بی اعتنا. آگاه باش که هرگاه افسار نفس را شل کنی در توطع می بندی، و مورد هدف قرارت میدهد، لذا آنرا با افسار و رع مهار کن. قیل و قال را از خود بدور کن. بدان که یاد مرگ دل را روشن و حب دنیا را از آن می زداید، و پرده ظلمت را از رویش برمی دارد، تا اینکه خلق را ببیند که جملگی فانی و ناپایدارند، و قادر به رساندن نفع و ضرر به کسی نیستند.

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».